

# The Beatles

by Elvis Costello



اولین بار وقتی ۶ سالم بود اسم بیتلز را شنیدم. آن موقع اکثر تعطیلاتم را در مرسای ساید می‌گذراندم و یک دختر محلی یک عکس بد تبلیغاتی از آن‌ها که اسپشان خرچنگ قورباغه پشتاش نوشته شده بود به من داد. سال ۶۲، ۶۳ بود قبل از این که به آمریکا بیایند. نور عکس بد بود و قبایحشان خوب معلوم نبود؛ رینگو موهایش را به سمت عقب جارو کرده بود. انگار هنوز دچار موی مدل بیتلزی نشده بود. اهمیتی نمی‌دادم، آن‌ها گروه من بودند. یازده این‌جا بود که تمام پدر مادرها و دوستانشان در لیورپول به این گروه محلی افتخار می‌کردند و شگفت‌زده بودند. مهیتر از آن، آدمهای کسب و کار نمایش در شمال انگلیس همشان کم‌دین بودند. یک لحظه فکر کنید، بیتلز برای پارلوفون ضبط کرد که یک کمپانی گم‌دی بود.

من دقیقاً در سنی بودم که آماگهی داشتم کاملاً من رو داغون کنند. تجربه من - جمع کردن تمام عکس‌ها، جمع کردن پول برای خریدن سیگنال‌ها و ای بی‌ها، دیدن آن‌ها در برنامه‌های خبری محلی - در سراسر دنیا تکرار و تکرار شد. اولین بار بود که چنین چیزی در این حد و اندازه انتقالی می‌افتاد. ولی موضوع فقط تعداد فروش نبود، مایکل جکسون می‌تونه تا ابد بفروشه اما هیچ وقت برای مردم به اندازه بیتلز اهمیت پیدا نمی‌کنه. هر آلبوم که بیرون می‌آمد یک شوک بود. در مقایسه با مبلغان هاو R&B مثل رولینگ استونز، بیتلز با صدایی که شبیه هیچ کس نبود از راه رسید. آن‌ها قبل از بادی هالی، لورلی برادرز و چاک بیری را قورت داده بودند، اما آهنگهای خودشان رو می‌نوشتند. آن‌ها شعر را تبدیل به نوشتن چیزهای

خودت کردند، به جای این که خیلی استثنایی و فوق‌العاده باشد. جان لنون و پل مک کارتنی آهنگسازی استثنایی بودند، مک کارتنی واقعاً یک استاد موزیسین بود و هست، جرج هریرسون از آن گیتاریست‌هایی نبود که دیوونه بشه و سولوهای عجیب و غریبی بزنه ولی تقریباً می‌توانی ملودی‌هایش را بخوانی. از همه مهیتر همیشه با تنظیم خوب جفت و جور می‌شدند. رینگو استاد درامز را با حس کاملاً یگانگانه می‌زد که هیچ کس نمی‌تواند کپی کند، با وجودی که خیلی از درامرها سعی کردند و نتوانستند. از همه بیشتر، جان و پل خواننده‌های فوق‌العاده‌ای بودند. لنون، مک کارتنی و هریرسون به‌طور سهیوت‌کننده‌ای استانداردهای بالایی به عنوان

نویسنده داشتند. فکر کنید آهنگی مثل **Ask me why** یا **Things we said today** را به عنوان **B side** منتشر کردند. ضبطهای فوق‌العاده‌ای برای **Penny Lane & Rain**، **Paperback Writer** و **Strawberry fields forever** کردند و آن‌ها را فقط در قالب **Single** بیرون دادند. این‌ها یک اتفاق بودند، نه فقط اصطنان جلب توجهی برای انتشار آلبوم.

بعد واقعاً شروع کردند به بزرگ شدن. شعرهای ساده عاشقانه تبدیل به داستان‌های پرزگالانه‌ای مثل **Norwegian Wood** شد که از جنبه‌های تلخ عشق حرف می‌زد و از ایده‌های بزرگ‌تری نسبت به چیزی که از شعرهای پاپ انتظار داری. اولین گروهی بودند که درگیر پرسپکتیو شنیداری ضبط‌هایشان شدند و چیزی بیشتر از رست و ادا تولید کردند. سهندسان عالی در استودیوهای **Abbey Road** مثل **Geoff Emerick** تکنیک‌هایی را اختراع کردند که حالا برای ما بدیهی به نظر می‌رسد قبل از بیتلز این آدم‌ها را دانشی که با رویوش آزمایشگاه در دهه پنجاه تجربه‌های ضبطی می‌کردند، اما رازگراهایی نداشتی که آزادانه این چیزها را از بالاس بیرون بیاورند. مثل آواز آرام در مقابل قطعه پر صدای **Strawberry Fields**.

به طور قطع آلبوم‌های مورد علاقه من

**Rubber Soul** و **Revolver** هستند. در هر دو می‌توانی زمینه‌هایی از **R&B** دین و سایکدلیا پیدا کنی اما نه به صورت واضح و روشن. وقتی **Revolver** را برمی‌دانشی می‌فهمیدی که چیز متفاوتیه. در پشت جلد توی اتاق عینک آفتابی زده‌اند وقتی به دوربین هم نگاه نمی‌کنند ... موسیقی‌اش بسیار عجیب بود ولی هنوز زنده و پرشور. اگر بخوام از آن آلبوم‌ها یک آهنگ انتخاب کنم **And your bird can sing** خواهد بود، نه ... **Girl**، نه ... و **For no one** و همین‌طور ادامه پیدا می‌کند.

در آلبوم جدایی‌شان، **Let it be** هم قطعات خوشگل هست هم تیز. من جاهطلبی و نقطه ضعف را برای هر گروهی تصور می‌کنم. اما آن‌ها توانستند اجرای اعجاب برانگیزی رو پیش ببرند یادم می‌آید به **Leicester Square** رفته و فیلم **Let it be** را در سال ۱۹۷۰ دیدم با احساسات مایه‌خولیایی آن جا رو ترک کردم.

واژه **Beatlesque** مدتی است که وارد لغتنامه شده می‌تونه آن‌ها را در آلبوم **Around the world in a day** از **Sirrus**، در آهنگ‌های **Ron Sexsmith** در ملودی‌های **Harry Nilsson** بشوم. می‌توانی ببینوی که گرت کوپین به بیتلز گوش داده و آن‌ها را در بعضی آهنگ‌هایش با بلک و گاهی با

مثال مخلوط کرده احتمالاً اگر بیتلز آلبوم دوتایی **White Album** را بیرون نداده بود امروز به جاهطلبی آلبوم آخر **Outkast** گوش نمی‌کردی. من چند قطعه را به طور مشترک با پل مک کارتنی نوشته‌ام و در دو مناسبت با او اجرا کرده‌ام. در سال ۹۹ کمی پس از مرگ لیندا مک کارتنی، پل کسترسی برای لیندا برپا کرد که توسط **Chrissie Hynde** برنامه‌ریزی شد. در تمرین‌ها من روی یکی از آهنگ‌های ریکی نلسون هارمونی می‌خواندم و پل گفت بعدی **All my loving** باشد و من گفتم می‌خواهی بار دوم من روی آن هارمونی بخوانم؟ و گفت: «آره امتحان کنی»، من فقط برای یاد گرفتن آن تکه ۲۵ سال وقت داشتم. اجرای بسیار تودجبار و تاثیرگذاری بود، که فقط افراد و هنرمندان نیست شاهد آن بودند. هنگام اجرا خیلی متفاوت بود. لحظه‌ای که شروع کرد.

**Close your eyes and I'll kiss you** عکس‌العمل جمعیت آن‌قدر شدید بود که آهنگ را در خود غرق کرد. خیلی ترسانک بود ولی همین غیرمعمولتک شاید در آن لحظه دلیل این که اجراهایشان را متوقف کردند فمدم آهنگ‌ها دیگر متعلق به آن‌ها نبود مال همه بود.



**Bob Dylan**  
By Robbie Robertson

